

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین‌پژوهی علوی،

سال دوازدهم، شماره بیست و دوم (بهار و تابستان ۹۹)

### مبانی دینی پاسخگویی در قرآن کریم: راهبردی برای سیستم‌های اجتماعی عقلانی

جعفر ترک‌زاده<sup>۱</sup> / مهدی امیری<sup>۲</sup> / رحمت‌اله مرزوقی<sup>۳</sup> / محمدجواد سلمانپور<sup>۴</sup> / جعفر جهانی<sup>۵</sup>

#### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین مفهوم پاسخگویی از طریق غور و بررسی در مبانی نظری و آیات قرآن کریم و روایات دینی مرتبط و با بهره‌گیری از فرایند چرخه‌ای تحلیل کیفی انجام شده است. بخش اول پژوهش نشان دهنده فراگیر بودن مفهوم پاسخگویی در قلمروهای مختلف زمانی، مکانی و موضوعی است؛ از پاسخگویی در برابر خداوند تا پاسخگویی به مردم. در بخش دوم از طریق مطالعه آیات قرآنی و تدبیر بر روی آنها با بهره‌گیری از فهرست موضوعی تفاسیر نور و نمونه و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی فرایند چرخه‌ای تحلیل، ۵۹ مفهوم فراگیر احصاء و سپس این مفاهیم در ذیل ۲۰ مفهوم محوری دسته‌بندی و در نهایت ۹ مفهوم سازماندهی شده مشتمل بر حق‌گرایی، باطل‌گریزی، اطاعت الهی، عدم تکبر، ایمان، عمل صالح، تقوا، موازین الهی و وعده الهی به عنوان مبانی پاسخگویی در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری به منظور ترویج و توسعه آموزه‌های قرآنی حکمرانی اسلامی در سیستم‌های اجتماعی عقلانی پیشنهاد شده است.

**کلید واژه‌ها:** پاسخگویی، مسئولیت، حکمرانی دینی.

djt2891@gmail.com

۱. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

mahdiamiri10@gmail.com

rmarzoghi@yahoo.com

۳. استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه شیراز

msalman@rose.shirazu.ac.ir

۴. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه شیراز

jjahani37@gmail.com

۵. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه شیراز

عقل و دین، سال دوازدهم، شماره بیست و دوم (بهار و تابستان ۹۹) ►

## ۱- مقدمه

اصل مسئولیت و پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم و ذی‌نفعان، یکی از اصولی است که در آیات متعددی (اسراء/۳۶؛ قیامت/۳۶؛ اسراء/۳۴؛ انبیاء/۱؛ اعراف/۶) بر آن تأکید شده و این نشان‌دهنده اهمیت بیش از پیش پاسخگویی در نظام اسلامی است که با توجه به غنای تعالیم اسلامی در زمینه جهت‌دهی به رفتار در سطوح فردی و اجتماعی و تجربه عمومی موفق آن در شکل‌دهی و تولید رفتارهای مورد نظر، پرداختن به مقوله پاسخگویی در مباحث حکمرانی و اداره سیستم‌های اجتماعی عقلانی و بالطبع سازمان‌های اداری و نحوه مدیریت مدیران اهمیت دوچندان می‌یابد.<sup>۱</sup>

عقل، «نقیض جهل و مترادف با علم» (فراهِیدی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۵۹) و «قوه درک‌کننده کلیات شامل هست‌ها و نیست‌ها» (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۳۳) و «رسول باطنی انسان» است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۷). در آموزه‌های روایی بین عقل و دین ملازمت ایجاد شده و روایت "أَلْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ، وَالشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ" مبین ارتباط این دو مفهوم در آموزه‌های دینی است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۴۲۵). اهمیت تعقل در امور دینی به حدی است که پیامبر اکرم (ص) در حدیثی، «عقل را ستون دین نامیدند» (غزالی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۱۳۷) و امام صادق (ع) «عقل را راهنمای مؤمن» (کلینی رازی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۵) و امام علی (ع)، «دین را ثمره عقل میدانند» (درایتی، ۱۴۱۳: ۷۴۵).

در خصوص کارکرد معرفتی عقل در اندیشه‌های اسلامی چندین دیدگاه وجود دارد؛ برخی هر نوع استنباط در آموزه‌های دینی و اعتقادی را بی‌نیاز از عقل دانسته و فقط متکی به وحی و نقل هستند که در اصطلاح به آنها ظاهرگرایان (نص‌گرایان) می‌گویند (ر.ک: شهرستانی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۰۵) و برخی معتقد به نقش عقل در تصمیم‌گیری‌ها بوده که با توجه به میزان تأکید آنها بر نقش عقل بر روی یک پیوستار از عقلگرایان حداکثری؛ که معتقد به سنجش هر چیز با عقل (ر.ک: ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۷۶-۷۵) تا عقل‌گرایان حداقلی؛ که معتقد به عقل نظری و مخالف با عقل عملی (ر.ک: ایجی، بی تا، ج ۸، ۱۸۱) و عقلگرایان معتدلی؛ که معتقد به نقش عقل و وحی در کشف حقایق وحیانی هستند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۶: ۱۳) را شامل می‌شوند که پیروان دسته اول (عقل حداکثری) را معتزله و پیروان دسته دوم (عقل حداقلی) را اشاعره می‌نامند (ر.ک: کردفیروزجایی، ۱۳۹۸: ۱۲۷-۱۲۶).

«مسئولیت‌پذیری اجتماعی» سازمان‌ها که اخیراً به مفهوم «پاسخگویی اجتماعی» تغییر یافته (Hopkins, 2004: 25) ایجاب می‌کند که سازمان‌ها پاسخگوی توقعات جامعه در خصوص انتظارات قانونی، اخلاقی و اجتماعی باشند (ر.ک: الوانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ لذا کلید گذار موفقیت‌آمیز و پایدار به یک نظام مردم‌سالار، حکمرانی کارآمد و نهادهای اصلی پاسخگو بوده (ر.ک: میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۴۹) و اهمیت این پاسخگویی در نظام مردم‌سالاری دینی بیش از پیش می‌باشد.

از جمله تحقیقات داخلی مرتبط با پاسخگویی می‌توان به پژوهش‌هایی همچون، «مکان استقرار سازمان‌های پاسخگویی سریع بر اساس مولفه‌های یادگیری سازمانی» (اردلان و همکاران، ۱۳۹۵)،

«مدل‌یابی روابط بین اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی با پاسخگویی سازمانی» (حسنی و شاهین مهر، ۱۳۹۴) و «مفهوم پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی و ضرورت تبیین مولفه‌های آن در سازمان‌های دولتی ایران» (الوانی و احمدی، ۱۳۹۲) و تحقیقات خارجی نیز شامل پژوهش‌های؛ «چارچوب پاسخگویی برای مدیریت وقف» (Siraj, 2012) و «چارچوب پاسخگویی اسلامی برای مدیریت صندوق زکات» (Saad et al, 2014) اشاره کرد که به نوعی به مقوله پاسخگویی ولی با نگرشی کلی و بسته ورود کرده‌اند و همچنین از محدود پژوهش‌هایی که به بررسی مفهوم پاسخگویی در آموزه‌های دینی و قرآنی پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش، فولادی و شفیعی (۱۳۹۷) تحت عنوان «پاسخگویی کارگزاران از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه» اشاره کرد که، انواع پاسخگویی در نهج البلاغه را شامل؛ الف) پاسخگویی در قبال مسئولیت؛ ب) پاسخگویی در قبال مردم و اجتماع؛ ج) پاسخگویی در قبال بیت المال و د) پاسخگویی در قبال عملکرد دانسته‌اند. همچنین، ذاکری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین الگوی پاسخگویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر رابطه بوروکراسی و دموکراسی» به تبیین الگوی پاسخگویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر بوروکراسی و دموکراسی پرداخته است.

اما آنچه که از آن غفلت شده است اولاً، مفهوم، چیستی، چرایی و ضرورت پاسخگویی و ثانیاً چگونگی این پاسخگویی مبتنی بر آموزه‌های دینی و به خصوص قرآن کریم است که خلاً آن در سازمان‌ها و سیستم‌های اجتماعی - عقلانی و اداری جامعه ایرانی - اسلامی کاملاً مشهود است این در حالی است که یکی از الزامات توسعه الگوی حکمرانی اسلامی - ایرانی، توسعه و تبیین الگوی بومی پاسخگویی مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی است از این رو این پژوهش به دنبال کاوش این مبانی پاسخگویی در آموزه‌های دینی با تأکید بر ویژه بر قرآن کریم به منظور راهبردی جهت تحقق حکمرانی اسلامی در سیستم‌های اجتماعی - عقلانی جامعه است.

آنچه خواهد آمد، یک طرح پیشنهادی برای کاربردی کردن روش چرخه‌ای تحلیل در مباحث اسلامی است و مؤلفان قصد انتساب قطعی دیدگاه خود به دین را ندارند.

## ۲- پاسخگویی در آموزه‌های دینی (اسلامی)

دو ویژگی سازمان‌های مذهبی که آنها را متفاوت از سازمان‌های غیرانتفاعی سکولار می‌کند عبارتند از: انگیزه دهی به وسیله ایمان و حوزه انتخابشان است که گسترده‌تر از نگرانی‌های بشردوستانه است و پاسخگویی به نیازهای فقرا و حاشیه‌نشینان را بر عهده دارند (Ferris, 2005: 316). در چارچوب بینش و باورهای اسلامی، پاسخ‌گویی همانا بیان عرفی «انجام تکلیف» است. از این منظر، اصولاً فقه اسلامی بر پایه‌ی دو سوبه‌ی «وظیفه - پاسخ» یا «تکلیف - انجام» شکل گرفته و بر مبانی چارچوب پاسخ‌گویی ویژه‌ی خود، نظام‌مند شده است. مؤمنان، از آن رو به تکالیف تقریبی و تعاملی خود عمل می‌کنند که در نظام تکوین و تشریح الهی، باید پاسخ‌گوی تمامی لحظات عمر کوتاه و حیات گذرای خود در بارگاه قدس

الهی باشند (نبوی، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

انسان چون ابزارهایی مثل عقل و اختیار دارد، مسئولیت‌پذیر است؛ قدرتی که موجودات دیگر از آن برخوردار نیستند. مسئولیت‌پذیری جامع و برآیند تمام ویژگی‌هایی است که انسان از آن برخوردار است؛ لذا اصل مسئولیت‌پذیری امری فطری است که ریشه در نهاد انسان دارد و با تعهد آغازین انسان در پیشگاه الهی گره خورده است «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ» (نحل / ۹۱) و این تعهد نسبت به مسئولیت، قطعاً مورد سؤال قرار خواهد گرفت «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء / ۳۴) به طوری که انسان باید پاسخگوی امانتی باشد که به او سپرده شده است همان امانتی که آسمان و زمین و کوه‌ها از قبول آن سر باز زدند (احزاب / ۷۲).

۱. مطابق با آموزه‌های قرآنی، بحث پاسخگویی می‌تواند گستره وسیعی را در بر گیرد؛ از پاسخگویی در برابر خداوند متعال (تکاثر / ۸) تا پاسخگویی در برابر مردم و حتی پاسخگویی در برابر اعضا و جوارح خود انسان (اسراء / ۳۶). همچنین مسیر پاسخگویی در آموزه‌های اسلامی از درون (قیامت / ۲) و پاسخگویی خود فرد به خودش شروع شده و به دیگران نیز (ضحی / ۹) ادامه می‌یابد. در واقع انسان از دیدگاه اسلام «موجودی پاسخگو» است و معاد یکی از اصول دین اسلام است که به موجب آن انسان باید پاسخگوی تمام اعمال و رفتارهای خود باشد (ر. ک: علیخانی، ۱۳۸۴: ۵۲) در همین زمینه قرآن کریم در سوره انبیاء آیه ۲۳، به جز خداوند، همه را مورد بازخواست و پرسش معرفی می‌کند.

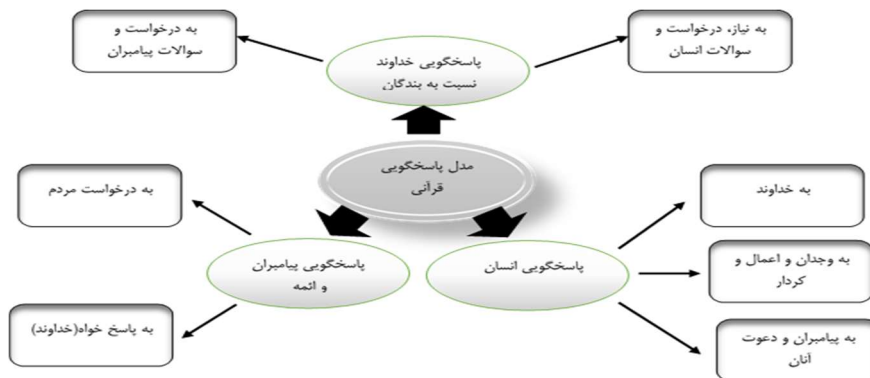
۲. پاسخگویی بر اساس آیات در دو حوزه کلی؛ فردی و اجتماعی ذکر شده است. از بعد فردی، خداوند متعال اختیارات، توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی را در اختیار نوع بشر قرار داده که نحوه بهره‌برداری از این استعدادها و ظرفیت‌ها بنا با اراده آزاد و قوه اختیار انسان مشخص می‌گردد و بنا بر فرموده آیات قرآنی، رشد و کمال و ضلالت و گمراهی‌اش به دست خود می‌باشد (بقره / ۲۵۶) و در دادگاه عدل الهی باید در برابر این مسئولیت‌ها و آزادی‌ها پاسخگو باشد. همچنین این انسان در حوزه فردی در برابر اعضا و جوارح خود و نحوه بکارگیری آنها در حیات دنیوی نیز پاسخگوست (اسراء / ۳۶). در حوزه اجتماعی نیز زمانی که مردم با قدرت انتخاب خود، اختیارات و وظایفی را در اختیار کارگزاران خود قرار دادند، آنها باید در برابر این تفویض اختیار به مردم پاسخگو باشند.

احادیث و روایات متعددی در خصوص مسئله مسئولیت و پاسخگویی ذکر گردیده است از جمله؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شوید؛ فرمانروای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود» (حجاج نیشابوری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۴۵۹).

پاسخگویی در حکومت امام علی (ع) جایگاه و اهمیت بالا و والایی دارد به طوری که خود حضرت به عنوان حاکم جامعه اسلامی، به طور مستقیم به اطرافیانش (ر. ک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷: ج ۱۵: ۹۸-۶۹) و به مردم پاسخگو بودند و بیان می‌کردند که: «به کاری مشغول باش که از آن سؤال خواهی شد.» (غررالحکم، ۱۴۱۰: ج ۴، ۶۰۱). امام علی (ع) «رویکرد نظارتی و پاسخگویی را نه تنها خوشان در خصوص

کارگزاران خود اجرا می‌کردند» (نهج البلاغه، نامه ۴۰) بلکه به کارگزاران نیز توصیه اکید داشتند که نسبت به افراد زیرمجموعه خود اجرایی کنند آنجا که می‌فرمایند: «آنگاه کارهایشان را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار، زیرا مراقبت نهانی تو از کارهای آنان، سبب امانتداری و مدارای ایشان با مردم است» (همان، نامه ۵۳).

نگاه اسلام به پاسخگویی مبتنی بر دو موضوع اصلی است. مفهوم توحید (وحدت و یگانگی خداوند) و مفهوم مالکیت الهی (Maali and Napier, 2007). کمار الدین و اوزایر (Iqmal Hisham, 2019: 25) معتقدند که پاسخگویی در اسلام با دو مفهوم امانت و خلیفه الهی ارتباط نزدیک دارد. به این معنا که امانت نوعی اعتماد است که خداوند نسبت به همه نیازهای انسانی مسئولیت دارد. همچنین تمام منابع موجود در این جهان متعلق به خداوند (مالکیت) است و مردم فقط مدیریت آن منابع را بر عهده دارند. از طرف دیگر ارتباط پاسخگویی با مفهوم خلیفه به این صورت است که خلیفه کسی است که دارای قدرت است تا نیازهای انسانی را پاسخگو باشد و خلیفه، علاوه بر پاسخگویی در قبال خداوند باید در قبال دیگران نیز پاسخگو باشد. نکته دیگر اینکه، مفهوم پاسخگویی در اسلام به موازات مفهوم امانتداری است که در آن انسان، در قضاوت در خصوص اعمال خود، تحت تأثیر این ترس است که به خداوند باید پاسخ دهد. همچنین پاسخگویی در اسلام نه تنها برای ذینفعان بلکه برای خداوند نیز طراحی شده است؛ از طرف دیگر در آموزه‌های اسلامی پاسخگویی انسان هم دنیوی است و هم اخروی (Basri et al, 2016: 212-219). به طور کلی پاسخگویی در آموزه‌های قرآنی، هم پاسخگویی عمودی در برابر خداوند و هم پاسخگویی افقی نسبت به خودش و هم نسبت به سایر افراد و جامعه را در بر می‌گیرد و هر دو پاسخگویی برای ایمان یک مسلمان ضروری است (Sulaiman, 2005: 31)؛ (Lewis, 2006). بنابراین مدل پاسخگویی قرآنی مدل پاسخگویی چندوجهی است که در ادامه به بررسی ابعاد آن پرداخته می‌شود (شکل شماره ۱)؛



شکل شماره ۱. مدل پاسخگویی قرآنی

## ۱-۲- مسئولیت و پاسخگویی انسان

**الف) پاسخگویی انسان به خداوند:** خداوند در آیات؛ ۲۴ سوره انفال، ۴۷ و ۳۸ سوره شوری، ۵۲ سوره اسراء و ۱۸ سوره رعد، از انسان‌ها می‌خواهد که دعوت او را استجابت کرده و در مسیر هدایت الهی گام بردارند.

**ب) پاسخگویی انسان به وجدان و اعمال و کردار:** خداوند در آیات ۳۸، ۳۹ و ۴۰ سوره نجم چنین می‌فرماید: «هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد» و «اینکه انسان جز حاصل تلاش و کوشش خود نیست و نتیجه کوشش او به زودی دیده خواهد شد» که نشان‌دهنده مسئولیت و پاسخگویی انسان نسبت به اعمال و کردار خود می‌باشد و یا در آیات متعدد دیگری همچون؛ آیات ۲ و ۳۶ سوره قیامت و آیه ۱ سوره انبیاء نیز به این مهم اشاره کرده است.

**ج) پاسخگویی انسان به پیامبران و دعوت آنان:** خداوند طریق رسیدن به کمال و هدایت الهی را از طریق پیامبران و اولیای خود معرفی کرده و از انسان نیز خواسته تا با پیروی و پاسخگویی به دعوت آنان، در مسیر ربوبیت و رشد گام بردارد و در آیات متعددی (انعام/ ۳۶؛ احقاف/ ۳۱؛ شوری/ ۱۵؛ نحل/ ۱۲۵؛ یوسف/ ۱۰۸؛ قصص/ ۸۷؛ آل عمران/ ۱۷۲ و احزاب/ ۴۶) به این امر اشاره کرده است به عنوان نمونه در آیات مختلفی همچون آیه ۲۴ سوره انفال چنین می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا و پیامبرش را هنگامی که شما را فرا می‌خواند، اطاعت کنید».

## ۲-۲- مسئولیت و پاسخگویی پیامبران و ائمه

**الف) پاسخگویی پیامبران به درخواست مردم:** در برخی از آیات قرآن کریم، عامه مردم در خصوص بعضی از مسائل مبتلا به همچون انفاق (بقره/ ۲۱۵)، ماههای حرام (بقره/ ۲۱۷)، حکم شراب (بقره/ ۲۱۹)، احکام زنان و ... از پیامبران و اولیاء خود سؤالاتی می‌پرسند و پیامبران نیز بنا به رسالت الهی خود با توجه به آنچه که خداوند به ایشان آموخته، جواب سؤالات و درخواست‌های مردم را می‌داده‌اند به عنوان نمونه می‌توان به مسئله انفال اشاره کرد که پیامبر در جواب ایشان چنین می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال/ ۱).

**ب) پاسخگویی پیامبران به پاسخ خواه (خداوند):** پیامبران در مسیر ابلاغ رسالت خویشتن به مردم، در بعضی از مواقع مورد مورد سؤال، بازخواست و آزمایش خداوند قرار می‌گرفتند تا میزان صدق و راستی نبوت و همچنین میزان شکرگذاری ایشان تعیین گردد به عنوان نمونه می‌توان به دادن حکمت به لقمان و نحوه شکرگذاری او در آیه ۱۲ سوره لقمان اشاره کرد و یا به میزان اطاعت پذیری حضرت ابراهیم (ع) نسبت به دستورات الهی، آنجا که خداوند چنین می‌فرماید: «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (حج/ ۲۶).

### ۳-۲- مسئولیت و پاسخگویی خداوند نسبت به بندگان

مطابق آیه شریفه "لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ" (انبیاء/۲۳)، خداوند نسبت به کاری که انجام می‌دهد مورد سؤال قرار نمی‌گیرد و اساساً هیچ کس در جایگاهی نیست که بتواند از خدا مسئولیت طلب کند؛ با این حال از باب مسامحه در الفاظ، دو مورد که می‌تواند به نحوی به پاسخگویی خدا مربوط شود ذکر می‌شود:

**الف) پاسخگویی خداوند به نیاز، درخواست و سؤالات انسان:** در حوزه مسئولیت الهی، خداوند در آیات متعددی خود را پاسخگوی نیازهای خلق و پاسخگوی درخواست‌های انسان (غافر / ۶۰؛ نمل / ۶۲) و همچنین پاسخگوی درخواست‌های پیامبران معرفی می‌کند (صافات / ۷۵؛ مریم / ۷).

**ب) پاسخگویی خداوند به درخواست و سؤالات پیامبران:** از آنجا که پیامبران از طرف خداوند مامور به ابلاغ رسالت الهی بودند در مسیر این اداء وظیفه گاهی با موانع و مشکلاتی مواجه می‌شدند و لذا برای رفع این چالش‌ها متوسل به درگاه الهی می‌شدند و یا بنا به اقتضاء شرایط درخواست‌هایی از خداوند داشته‌اند که در آیاتی از قرآن کریم به این موارد اشاره شده است (مریم / ۴ و ۷؛ صافات / ۷۵؛ بقره / ۱۲۶؛ انبیاء / ۸۸؛ ابراهیم / ۳۹ و یوسف / ۳۴). به عنوان نمونه خداوند بعد از سختی‌هایی که به حضرت یونس (ع) رسید در پاسخ ایشان چنین می‌فرماید که: «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء / ۸۸).

### ۳- مبانی پاسخگویی مطابق با آیات قرآن برای کاربرد در سیستم‌های اجتماعی عقلانی

مبانی در هر علمی، باورهای بنیادی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده، اصول موضوعه آن علم شناخته می‌شوند و مسائل آن علم بر آن‌ها استوار هستند (ر.ک: السبزواری، ۱۴۱۷: ۸۸-۸۷). مسلم است که وجود این مبانی برای هر علمی، طبیعی، لازم و مسلم است.

بر این اساس و به منظور گردآوری اطلاعات موجود در قرآن کریم پیرامون مبانی پاسخگویی با استفاده از تحلیل محتوای کیفی فرایند چرخه‌ای تحلیل (ر.ک: Sarantakos, 1998؛ ترک‌زاده، ۱۳۸۸) و بعد از مطالعه آیات و تدبیر بر روی آنها و همچنین مرور فهرست موضوعی کتب تفاسیر نور و نمونه، آیه‌هایی که ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم با مبانی پاسخگویی داشتند، انتخاب و مورد مذاقه و بررسی بیشتر قرار گرفتند. به این ترتیب، پس از مطالعه آیه‌ها، مفاهیم مربوط به هر آیه که ارتباط بیشتری با مبانی پاسخگویی داشتند، به طور مجزا احصا شد که مطابق جدول شماره ۱ در این مرحله ۵۹ مفهوم فراگیر احصاء گردید.

جدول شماره ۱. مفاهیم فراگیر احصاء شده مرتبط با مبانی پاسخگویی در قرآن کریم

|                        |  |                      |                      |                 |
|------------------------|--|----------------------|----------------------|-----------------|
| حق مردم                | نهی از منکر                                  | عدم استکبار          | یقین                 | برائت           |
| حق خداوند              | رویگردانی از طغیان<br>گران                   | عدم طغیان و<br>سرکشی | عدم تردید و<br>دودلی | اسوه حسنه       |
| حق                     | عدم دوستی با دشمن<br>خداوند                  | دوری از تکبر         | متقین                | میزان           |
| اعتصموا بالله          | عدم تبعیت از گمراهان و<br>مفسدان و کافران    | عدم خودستایی         | مؤمنین               | قرآن            |
| حبل الله               | تبعیت از الگوهای قرآنی                       | مهربانی              | ایمان                | شاهدان و ناظران |
| تمسک                   | پیروی از ولایت، وحی و<br>قرآن و دستورات الهی | نیکی به والدین       | عمل صالح             | راه راست        |
| حکم الله               | انتخاب سرپرست و ولی<br>مؤمن                  | عدم بخل              | صالحین               | بهشت            |
| قصاص                   | اطاعت از خدا و پیامبر                        | خضوع                 | تقوا                 | قرب الهی        |
| حدود الله              | اجرای فرامین الهی                            | خشوع                 | خشیت                 | وعده الهی       |
| رویگردانی از<br>مشرکان | تسلیم امر الهی بودن                          | تواضع                | خوف                  | بخشایش          |
| عدم پیروی از<br>شیطان  | دوستان خداوند                                | دوری از منت<br>نهادن | انذار                | شفاعت           |
| قاعده نفی سیل          | یاران خداوند                                 | نفس مطمئن            | ترس از عذاب<br>آخرت  | -               |

سپس در مرحله بعد تلاش گردید که ۵۹ کد گردآوری شده مرحله قبل را که دارای قرابت محتوایی بودند در ذیل یک عنوان مشترک (کدمحوری / اطلاعات معنادار) که به نوعی دربرگیرنده یا پوشش‌دهنده داده‌های کیفی دسته مربوطه می‌باشند، کدگذاری یا دسته‌بندی شوند. منظور از قرابت محتوایی، نزدیکی مقوله‌ها از لحاظ مفهوم، همجنسی یا هم‌خانواده بودن آنها و یا قرار گرفتن آنها در یک مجموعه یا خط سیر مفهومی منطقی است. بر این اساس مفاهیم فراگیر احصاء شده در مرحله قبل، در ذیل ۲۰ مفهوم محوری دسته بندی و مفهوم‌سازی شده‌اند که شرح آنها در جدول شماره ۲ آمده است. در نهایت با ترکیب



اطلاعات و شناخت حاصل از دو مرحله پیش‌گردآوری اطلاعات و تقلیل احیاگرانه داده‌ها، به سازماندهی، تحلیل، جمع‌بندی و طبقه‌بندی نهایی اطلاعات کیفی گردآوری شده از قرآن کریم در دو مرحله مفاهیم سازماندهی شده مرحله ۱ (سطح ۱) و مرحله ۲ (سطح ۲) پرداخته شد و تلاش گردید تا اطلاعات کدگذاری شده در مرحله قبل در کدهای معنادارتری قرار داده شود تا هم درک این مفهوم برای خواننده سریع‌تر اتفاق بیافتد و هم امکان مقایسه سریع‌تر بین مبانی پاسخگویی از دیدگاه قرآن کریم و سایر متون و منابع فراهم آید و در نهایت در مرحله چهارم، مفاهیم سازماندهی شده مرحله قبل به منظور دستیابی به محورهای اساسی مفهوم پاسخگویی، سازماندهی مجدد گردید بدین معنا که اطلاعات سازماندهی شده با عنایت به ماهیت و کارکردی که می‌توانستند در یک نظام پاسخگویی ایفا نمایند جمع‌بندی و در طبقات معین‌تر و مشخص‌تر، طبقه‌بندی گردید و بدین سان مفاهیم سازماندهی شده سطح اول فراوری مجدد گردید و منجر به شکل‌گیری طبقه‌بندی نهایی مبانی پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم در سه حوزه شناختی (ادراکی - ذهنی)، عاطفی (بینشی - نگرشی) و رفتاری (عملی) گردید (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. مبانی پاسخگویی مستخرج از آیات قرآن کریم

| مفاهیم پایه   | مفاهیم محوری  | مفاهیم سازماندهی سطح ۱ | مفاهیم سازماندهی سطح ۲ (مبانی) |
|---|---------------|------------------------|--------------------------------|
| ۱- حق مردم، ۲- حق خداوند، ۳- حق   | حق            | حق‌گرایی               | ذهنی و ادراکی (تشناختی)        |
| ۱- اعتصموا بالله، ۲- جبل الله، ۳- تمسک، ۴- حکم الله، ۵- قصاص، ۶- حدود الله.                                   | حق‌گرایی      | وعدۀ الهی              |                                |
| ۱- بهشت، ۲- قرب الهی، ۳- وعدۀ الهی  | تقرب الهی     | بخشایش الهی            | بینشی و نگرشی (عاطفی)          |
| ۱- بخشایش، ۲- شفاعت   | بخشایش الهی   | عدم تکبر               |                                |
| ۱- عدم استکبار، ۲- عدم طغیان و سرکشی، ۳- دوری از تکبر، ۴- عدم خودستایی  | عدم تکبر      | عظوفت                  | عملی و رفتاری                  |
| ۱- مهربانی، ۲- نیکی به والدین   | عظوفت         | تقوا                   |                                |
| ۱- عدم بخل، ۲- خضوع، ۳- خشوع، ۴- تواضع  | فروتنی        | تقوا                   | عملی و رفتاری                  |
| دوری از منت‌گذاری   | عدم منت‌گذاری | ایمان                  |                                |
| تقوا  | تقوا          | ایمان                  | عملی و رفتاری                  |
| ۱- خشیت، ۲- خوف، ۳- انذار، ۴- ترس از عذاب آخر   | خشیت الهی     | ایمان                  |                                |
| ۱- نفس مطمئن، ۲- یقین، ۳- عدم تردید و دودلی، ۴- متقین   | یقین          | ایمان                  | عملی و رفتاری                  |
| ۱- ایمان، ۲- مؤمنین   | ایمان         | اطاعت الهی             |                                |
| ۱- پیروی از ولایت، وحی و قرآن و دستورات الهی، ۲- انتخاب سرپرست و ولی مؤمن، ۳- اطاعت از خدا و پیامبر           | ولایت‌پذیری   | اطاعت الهی             | عملی و رفتاری                  |
| ۱- اجرای فرامین الهی، ۲- تسلیم امر الهی بودن  | اطاعت الهی    | عمل صالح               |                                |
| ۱- دوستان خداوند، ۲- یاران خداوند   | موالی         | موازین الهی            | عملی و رفتاری                  |
| ۱- عمل صالح، ۲- صالحین  | عمل صالح      | موازین الهی            |                                |
| ۱- تبعیت از الگوهای قرآنی (ابراهیم و ...)، ۲- اسوه حسنه   | اسوه حسنه     | میزان                  | عملی و رفتاری                  |
| ۱- میزان، ۲- قرآن، ۳- شاهدان و ناظران، ۴- راه راست  | میزان         | باطل‌گریزی             |                                |
| ۱- رویگردانی از مشرکان، ۲- عدم پیروی از شیطان، ۳- قاعده نفی سیبیل، ۴- نهی از منکر، ۵- رویگردانی از طغیان‌گران | باطل‌گریزی    | باطل‌گریزی             | عملی و رفتاری                  |
| ۱- عدم دوستی با دشمن خداوند، ۲- عدم تبعیت از گمراهان و مفسدان و کافران، ۳- برائت                              | برائت         | باطل‌گریزی             |                                |

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌گردد، این مبانی پاسخگویی در سه حوزه شناختی (ادراکی، ذهنی)، عاطفی (بینشی و نگرشی) و رفتاری (عملی) به تفکیک ذکر گردیده است و به این معناست که برخی از این مبانی مربوط به حوزه تفکرات و ذهنیات درونی، بخشی مربوط به نگرش‌ها، هنجارها و عقاید و برخی مربوط به حوزه عمل و رفتار عاملان پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی - عقلانی است و این سه حوزه در عین اینکه مستقل بوده و خود به نوعی مبانی پاسخگویی هستند ولی هر یک زیربنای شالوده‌ای برای سطح بعد است و در عین حال هر سه حوزه با هم ارتباط معنایی و تنگاتنگی دارند.

**حق‌گرایی:** در منابع لغوی، معانی مختلفی برای واژه حق ذکر گردیده است از جمله: «اعتقاد مطابق با واقعیت» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۶)، «ثبوت و مطابقت با واقع» (مصطفوی خراسانی، ۱۳۷۷: ج ۲: ۳۰۶) که انکار آن روا نیست (ر.ک: جرجانی، ۱۳۷۱: ۴۰). در انگاره‌های دینی، مفهوم حق اگرچه از نهادهای مدنی به دست می‌آید اما از ارزش دینی و اخلاقی نیز برخوردار است و همواره در تاریخ اندیشه دینی، حق داشتن قانونی با حق بودن اخلاقی به موازات یکدیگر مطرح گردیده است و منشأ حق در پارادایم مردم-سالاری دینی، منبع قدسی است (ر.ک: کبیری سرمزده، ۱۳۹۵: ۱۶۴-۱۶۳).

حق‌گرایی و حق‌محوری در قرآن کریم گاهی به معنای «صفتی برای خداوند متعال» به کار رفته و این بدان سبب است که خداوند حق است (حج/ ۶۲) و گاهی به معنای «انجام فعل حکیمانه و دوری از لہو و لعب و عبث در افعال الهی» است (روم/ ۸). با توجه به مصادیق مفهوم «حق‌گرایی و حق‌محوری» در قرآن کریم که در این پژوهش شامل: حق، حق مردم، حق خداوند، اعتصموا بالله، جبل الله، تمسک، حکم الله، قصاص و حدود الله به کار رفته است افرادی که در سیستم‌های اجتماعی و اداری دارای مسئولیتی می‌شوند با توجه به مفهومی از حق که به دوری از کارهای عبث و بیهوده اشاره دارد باید نسبت به این امر اهتمام ورزیده و «تمسک به حق و حدود الهی» را در آن منصبی که به کار گمارده شده‌اند رعایت نموده و با «وحدت، چنگ زدن، و تمسک به ریسمان الهی» (آل عمران/ ۱۰۳) در مسیر پاسخگویی صحیح نسبت به انجام تکالیف محوله گام بردارند؛ لذا سیستمی که حق‌محور عمل نماید و حدود الهی را نسبت به ذی‌نفعان متعدد رعایت کند - حتی اگر آن سیستم عقلانی‌ترین سیستم‌ها باشد - در عمل در مسیر الهی گام برخواهد داشت و این همان حق‌گرایی است.

**وعده الهی:** «وعد» در لغت به معنای «عهد» است (قرشی، ۱۳۸۱: ج ۷، ۲۲۷) و در اصطلاح عبارت است از «تعهد کردن به انجام امری اعم از خیر و شر» (مصطفوی خراسانی، ۱۳۷۷: ج ۳: ۲۱۹). این واژه در قرآن ۱۵۱ یک مرتبه استعمال گردیده که ۹۱ مرتبه آن به وعده‌های خداوند است. در خصوص «وعد» الهی، به عنوان مبنایی برای پاسخگویی باید چنین گفت که، خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به انحاء مختلف درصدد ترغیب انسانهای «مؤمن» (توبه/ ۷۲) و «متقی» (آل عمران/ ۱۹۸) به انجام اعمال نیک و پاسخگویی به دستورات خود از طریق مکانیسم‌هایی همچون: «دادن وعده بهشت» (فجر/ ۳۰) و «شفاعت شفاعت‌کنندگان» (سبأ/ ۲۳) است و از آنجا که «خداوند خلف وعده نمی‌کند» (روم/ ۶) مقربان

را به «جایگاهی خاص در پیشگاه خود» (مطففین / ۲۱؛ واقعه / ۱۱) رهنمون می‌کند که اینها همه نشان - دهنده اهمیت پاسخگویی به دستورات الهی است. از طرف دیگر خداوند، «بخشایش» خود را نیز به عنوان یکی دیگر از موارد وعده‌های خود ذکر کرده است (نساء / ۹۹؛ مائده / ۹). بنابراین، وعده الهی می‌تواند به عنوان سرمشقی برای پاسخگویی کارگزاران در سیستم‌های اجتماعی - عقلانی و به خصوص اداری مد نظر قرار گرفته و مبنایی برای این امر قرار گیرد.

**عدم تکبر:** «تکبر» به معنای «تعظم و خودبزرگ پنداشتن» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۳۵) و «حالتی نفسانی که در گفتار و رفتار شخص نمود پیدا می‌کند» (نراقی، ۱۳۸۳: ۳۸۰) و «از نتایج عجب و غرور» دانسته‌اند (همان، ۳۸۰). قرآن کریم در آیات متعددی، انسان را به «دوری از تکبر و خودستایی» در برابر خودش فرمان داده (سجده / ۱۵) و یادآور می‌شود که «مؤمنین، طغیان و سرکشی نمی‌کنند» (انعام / ۱۴۵). مذمت از این خوی زشت در احادیث اسلامی نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است به طوری که از جمله، روایاتی که به «تکبر شیطان» اشاره دارد (نهج البلاغه، ۱۳۷). روایاتی که تکبر را از اخلاق کفار می‌شمرد (ر.ک: محاسبی، ۱۴۲۰: ۳۷۵). و روایاتی که به عاقبت متکبران در روز قیامت می‌پردازد (ر.ک: نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۳۸۲) آنچه از فحوای این روایات برمی‌آید، اهمیت دوری از تکبر در امر ایمان است؛ چنانکه هماهنگ با قرآن کریم تکبر را منافی ایمان و مانع از تسلیم شدن به حق خوانده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۰، ۲۳۵).

با توجه به این آیات می‌توان چنین استناد کرد هرگاه مسئولی و مدیر بالادستی دستوری را که صحیح و مطابق با موازین منطقی تدوین شده و مصالح زیردستان نیز در آن لحاظ گردیده می‌دهد، ذی‌نفعان موظف به اجرای آن بوده و نباید از آن استتکاف نمایند. همچنین مطابق با بعضی آیات دیگر (شعراء / ۲۱۵؛ حجر / ۸۸) مقام مسئول نیز باید نسبت به زیردستان «خضوع و خشوع» داشته و با آنها از در مهربانی و عطف برخورد نماید چرا که بارزترین صفت خداوند که می‌تواند در رهبران و مدیران نمود داشته باشد همین صفت رحمت و مهربانی است (ر.ک: دانشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۵) و اینکه مدیران و مسئولان «اعمال نیک خود را با منت نهادن، تزیین نمایند» (بقره / ۲۶۴). بنابراین، می‌توان چنین گفت که با توجه مبنای عدم تکبر، پاسخگویی صحیح مطابق با معیارهای الهی در یک سیستم اجتماعی - عقلانی زمانی اتفاق می‌افتد که طرفین پاسخگو و پاسخ‌خواه، هر دو این مبنای فکری را مدنظر داشته باشند.

**تقوا:** اصطلاحی اخلاقی به معنای «حفظ، صیانت و نگهداری» (مطهری، ۱۳۹۵: ۳) و خویش‌داری در اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان است. تقوا در کلام امام صادق (ع) به این معناست که «آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی، تو را غایب نبیند و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، ۲۸۵).

قرآن «تقوا» را «شرط نجات از آتش جهنم» (زمر / ۶۱) و «قبولی اعمال» دانسته (محمد / ۳۶) که موجب نزول برکات بر شخص و رهایی او از گرفتاری‌ها در دنیا می‌شود. توصیه به تقوا در آیات بسیاری از قرآن کریم تکرار شده است، اما دو آیه از نظر تأکید و وسعت و شمول حکم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

آیه ۱۰۲ سوره آل عمران، مؤمنان را به تقوای خداوند، آنگونه که حق تقوای اوست، توصیه کرده است: «... اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»، و آیه ۱۶ سوره تغابن، به مؤمنان امر کرده تا جایی که می‌توانند تقوا بورزند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ». همچنین در وصف خشیت مؤمنان توصیه شده که «آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود!» (ق/ ۳۳). بنابراین داشتن تقوای الهی در نهان و آشکار باعث می‌گردد که افراد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف و به خصوص در مراودات با ارباب رجوع خود را پاسخگو دانسته و بنا به دلایل ترس از عذاب الهی و یا بنا به دلیل خوف و خشیت الهی، حقوق ذی‌نفعان را رعایت نموده و خود را پاسخگوی آنها بدانند. نکته قابل ذکر این است که تقوا به عنوان مرتبه‌ای برخاسته از ایمان و در عین حال فراتر از ایمان است چرا که در بسیاری از آیات قرآن حتی به مؤمنین نیز توصیه شده است که تقوای الهی را رعایت کنند از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید!» (بقره/ ۲۷۸) و یا در آیه ۱۰۲ سوره آل عمران نیز چنین بیان شده است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید!» و بسیاری از آیات دیگر که مؤمنان را به داشتن تقوا و پرهیزکاری دعوت کرده است؛ همچنین در حدیثی از امام رضا(ع) چنین بیان شده است که: «ایمان یک درجه بالاتر از اسلام و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقوا است و میان بندگان چیزی کم تر از یقین تقسیم نشده است» (کلینی رازی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۵۶). این آیات و روایات نشان می‌دهد که تقوا مرتبه‌ای بالاتر از ایمان است که در آن ایمان فرد تقویت شده و نمود عینی و بیرونی می‌یابد به این معنا که در مرتبه ابتدایی ایمان ممکن است جنبه درونی داشته باشد و در تقوا، این ایمان نمود و جنبه بیرونی می‌یابد.

**ایمان:** شیخ مفید، ایمان را تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به طاعات دانسته است (ر. ک: مقدار، ۱۴۰۵: ۴۴۰). از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) واژه ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است (ر. ک: امید، ۱۳۷۳). امام علی(ع) ریشه ایمان را «خوب تسلیم شدن در برابر فرمان خدا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۴۱۶) دانسته و پیامبر اکرم(ص)، «کمال آن را محبت آل محمد(ص) دانسته است» (قمی، ۱۴۰۲، ج ۱، ۲۰۱). «ایمان، تنها یک کلمه نیست، بلکه یک باور قلبی است؛ باوری که به زندگی انسان جهت می‌دهد و در چگونه زیستن او نقشی مهم دارد» (محدثی، ۱۳۷۶). بر اساس قرآن کریم، ایمان، قابلیت زیاد و کم شدن دارد (توبه/ ۹ و ۱۲۴) و قلب‌های مؤمنان با آن به اطمینان و ثبات می‌رسد (رعد/ ۱۳ و ۲۸) همچنین در قرآن کریم آمده است که هیچ انسانی را با اکراه و اجبار نمی‌توان به ایمان رساند و مؤمن ساخت (بقره/ ۲۵۶).

در اهمیت «ایمان» به عنوان مبنایی برای پاسخگویی، همین بس که قرآن، «پذیرش اعمال را در گرو ایمان» دانسته است (انبیاء/ ۹۴). در قرآن کریم، مصادیقی مختلفی برای ایمان بیان شده است از جمله: «ایمان به خدا» (بقره/ ۲۵۶ و ۱۸۶؛ آل عمران/ ۵۲، ۱۱۰، ۱۹۳؛ نساء/ ۱۷۵) «ایمان به پیامبران» (آل

عمران / ۱۷۹؛ حدید / ۱۹؛ بقره / ۱۷۷؛ نساء / ۱۳۶) «ایمان به آنچه از سوی خداوند بر پیامبران نازل شده» است؛ مانند «کتاب‌های آسمانی» (بقره / ۱۳۶؛ نساء / ۱۶۲) «ایمان به روز قیامت» (بقره / ۶۲، ۸، ۱۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۶۴)، «ایمان به فرشتگان» (بقره / ۲۸۵ و ۱۷۷) و «ایمان به غیب» (بقره / ۴). همچنین آیاتی را که به موضوع ایمان پرداخته است، می‌توان در چند گروه دسته‌بندی کرد: در برخی از آیات، ضرورت ایمان و نقش آن را در حیات دنیوی و اخروی متذکر شده (نساء / ۱۷۳؛ توبه / ۲۰؛ حدید / ۷)، دسته‌ای دیگر ویژگی‌های مؤمنان را بازگو کرده (مؤمنون / ۱-۹؛ انفال / ۲-۴) و شماری از آیات نیز به پیامدهای بی‌ایمانی پرداخته است (حج / ۱۹؛ روم / ۱۶).

آنچه که مسلم است این است که طبق آموزه‌های دینی و قرآنی، افراد با ایمان، اعتقادی راسخ‌تر و باوری عمیق‌تر نسبت به پاسخگویی به ارباب رجوع و ذی‌نفعان داشته و این پاسخگویی به نوعی با اعتقاد آنها در آمیخته است؛ چرا که یکی از نشانه‌های ایمان و در واقع نمود بیرونی ایمان، عمل به آن چیزی است که انسان قلباً آن را تصدیق کرده است. بنابراین اگر ایمان در نهاد کسی رسوخ نکرده باشد به هیچ وجه در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و سازمانی، خود را پاسخگوی اعمال خود نخواهد دانست.

**اطاعت الهی:** اطاعت از ریشه طوع و به معنای «رام و مطیع بودن» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۶)، «انقیاد» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۸۰) و «فرمانبرداری اختیاری در برابر امر و دستور» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۱).

در آموزه‌های قرآنی، «اطاعت‌پذیری» از غیرخدا ممنوع و تمامی موجودات چه از روی طوع (اختیار) و طبق قوانین تشریحی و چه کره (بی‌اختیار) و طبق قوانین تکوینی، تسلیم فرمان او هستند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۳۴). بدیهی است که «اطاعت در حوزه رفتار ارادی موجوداتی انتخابگر مانند انسان معنا می‌یابد» (مصباح، ۱۳۷۹: ۲۳) و زمانی تحقق می‌یابد که مبتنی بر ایمان و توحید نظری به خداوند باشد و ضمانت‌پایداری آن همراه با پروای الهی است (ر.ک: شریعتی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۶۰). انتخاب سرپرست و ولی مؤمن در جهت اطاعت الهی نیز امری است که در بعضی آیات قرآنی به آن اشاره شده و «مؤمنین را از گرفتن سرپرست کافر نهی کرده» است (آل عمران / ۲۸) و بیان می‌کند که «دوستان و یاران خداوند در راه پاسخگویی و اطاعت الهی نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند» (یونس / ۶۲) چرا که «این وعده الهی است که یاوران الهی را تأیید و نصرت و پیروزی عنایت فرماید» (صف / ۱۴) چرا که «آنها در راه اطاعت الهی، تسلیم و فرمانبردار امر او بودند.» (فصلت / ۳۳)

با توجه به آنچه که گفته شد، سیستم‌های اجتماعی - عقلانی نیز باید با الهام از این مبانی فکری و عقیدتی، افرادی را مسئول و سرپرست مدیریت امور خود نمایند که اعتقاد به ولایت الهی و اطاعت از دستورات او را سرلوحه اجرای امور خود نمایند. سیستمی که اطاعت الهی را سرلوحه خویش قرار دهد به بهترین وجه پاسخگوی اقدامات و فعالیت‌های خویش است چرا که هر گونه پنهان‌کاری و عدم شفافیت را مخالف با پاسخگویی منطقی و اقناع افکار عمومی دانسته و معتقد است که عدم پاسخگویی منجر به فساد اداری، رانت و زمینه سوء استفاده را فراهم می‌آورد.

**عمل صالح:** صالح از صلح و به معنای شایسته (ر.ک: قرشی، ۱۳۸۱: ج ۴، ۱۴۲) مقابل و ضد فساد است و این واژه در قرآن هم در مقابل فساد و نیز در مقابل سیئه به کار رفته است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۵)؛ «الذین یفسدون فی الأرض و لا یصلحون؛ کسانی که در زمین تباهی می‌کنند و به اصلاح (امور) نمی‌پردازند» (شعراء/ ۱۵۲) همچنین آیه‌ی «و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین؛ و اصلاح کن و از راه تبه‌کاران پیروی مکن» (اعراف/ ۱۴۲) لذا خداوند در قرآن کریم به چنین انسان‌هایی وعده داده است که «هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند» (اعراف/ ۳۵).

عمل صالح در محضر خداوند در صورتی مؤثر و مقرب است که توأم با ایمان به خدا باشد و در غیر این صورت پوچ و بی‌اثر خواهد بود (ر.ک: قرشی، ۱۳۸۱: ۱۴۴) به همین دلیل در بسیاری از آیات قرآن «عمل صالح با ایمان» آورده شده است (کهف/ ۸۸؛ مریم/ ۶۰؛ طلاق/ ۱۱). از اولین آثار «عمل صالح»، نتیجه و سود آن عمل به خود فرد است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَیْهِمْ یَمْهَدُونَ» (روم/ ۴۴). عمل صالح ضد فساد و مقابل آن قرار می‌گیرد، پاسخگویی نیز نقش اساسی در کاهش فساد و افزایش شفافیت می‌تواند داشته باشد، لذا رابطه تنگاتنگی بین عمل صالح و پاسخگویی حقیقی در قبال وظایف محوله وجود دارد و همچنین با توجه به نقش و آثار عمل صالح در زندگی دنیوی و اخروی می‌توان چنین گفت که پاسخگویی به ذی‌نفعان و کسانی که مسئولیت در برابر آنها به فرد مسئول واگذار گردیده، نیز می‌تواند واجد، نتایج و اثرات دنیوی و اخروی باشد که از جمله آنها محبوبیت و کسب وجه اجتماعی در میان مردم است «سَجَّعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/ ۹۶). نکته دیگر اینکه همان‌طور که در بسیاری از آیات قرآن کریم ایمان با عمل صالح توأمان ذکر گردیده، در خصوص پاسخگویی نیز به عنوان یک عمل صالح، باید نیت و اعتقاد قلبی به انجام صحیح وظایف محوله نسبت به زیردستان، سرلوحه عمل پاسخگویی فرد مسئول قرار گیرد. لذا می‌توان بیان کرد که عمل صالح می‌تواند به عنوان مبنایی برای پاسخگویی در سیستم اجتماعی-عقلانی در نظر گرفته شود.

**موازین الهی:** خداوند باری تعالی برای اینکه زندگی و نحوه تعاملات انسان در مسیر صحیح و الهی پیش برود، «معیارها و موازینی» همچون؛ بهره‌گیری و تبعیت از سیره و سلوک رسل الهی از قبیل؛ پیامبر اکرم (ص) (احزاب/ ۲۱)، ابراهیم (ممتحنه/ ۴)، نوح و موسی و... قرار داده که تعبیر قرآن از این موارد به «أسوه حسنه» است و اسوه را در اصطلاح به معنای «مقتدا، پیشرو» دانسته‌اند (عمید، ۱۳۹۰). همچنین قرآن کریم در موارد دیگری، خود قرآن کریم را به عنوان «عاملی برای بشارت و انذار» معرفی می‌کند (انعام/ ۹۲) و می‌فرماید که این «فرقان (جدا کننده حق از باطل)» خواهد بود (بقره/ ۱۸۵). قرآن، پیامبران را به عنوان موازین و شاهدان اعمال انسان معرفی کرده و می‌فرماید: «روزی که از میان هر قوم و امتی شاهدی از خودشان بر می‌انگیزیم» (نحل/ ۸۹) و خود پیامبر اکرم (ص) را شاهد بر همه انبیاء می‌داند «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلٰی هٰؤُلَاءِ» (نحل/ ۸۹)، «یا ایها النبیُّ اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمَبْشِرًا وَنَذیرًا» (احزاب/ ۴۵) و نیز ائمه معصومین را نیز به عنوان شاهد معرفی می‌کند «وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوْا شُهَدَآءَ عَلٰی

النَّاسِ وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳). علاوه بر این، در بعضی آیات دیگر قرآن، مواردی همچون فرشتگان (ق/۲۱)، زمین (زلزال/۴)، وجدان انسان (اسراء/۱۴)، اعضا و جوارح انسان (نور/۲۴) و نمود و تجسم اخروی عمل (کهف/۴۹) نیز به عنوان شاهدان و ناظران اعمال انسان ذکر شده است و در نهایت باید ذکر کرد که «خداوند بر همه چیز گواه است» (حج/۱۷) و قرآن این شاهد بودن را ورای همه این شاهدان کافی می‌داند «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (نساء/۷۹).

با توجه با آنچه که به عنوان الگوهای حسنه و شاهدان و ناظران، ذیل مفهوم «موازین الهی» مطرح گردید و نسبت آن با مفهوم پاسخگویی، می‌توان چنین بیان کرد که انسان در همه حال و در همه زمان و مکانی به نوعی باید پاسخگوی اعمال، رفتار و کردار خود باشد و این طرز تفکر باعث می‌شود که در تعاملات اجتماعی و به خصوص موقعیت‌هایی که عملش تبعات اجتماعی نسبت به دیگران دارد، مراعات بیشتری داشته و بیش از پیش خود را مسئول بداند.

**باطل‌گریزی:** باطل در لغت به معنای «امر و چیز ناحق، بیهوده، یاوه، بی‌محتوا، پوچ و بر خلاف حق» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴۳۲) و «فاقد ثبات» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۳۲) است. بیشتر استعمال‌های این واژه در قرآن به همراه واژه «حق» و در برابر آن مفهوم است. قرآن واژه باطل را در مناسبت‌های گوناگونی به کار برده است؛ در مواردی به تقابل حق و باطل به‌طور مطلق اشاره کرده و باطل را نابود شونده: «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱) دانسته، در مواردی نیز مصادیقی از این دو مفهوم را بیان کرده است. خداوند در سوره نساء آیه ۸۱ رویگردانی از مشرکان را به عنوان نماد باطل توصیه کرده و بیان کرده است که «از آنها پیروی ننماید چرا که آنها دشمنی آشکار برای شما هستند» (انعام/۱۴۲؛ اعراف/۲۲) و «کسانی را که بعد از پیمان بستن، از حق روی بر می‌تابند، مصداق فاسقان می‌داند» (آل عمران/۸۲). همچنین خداوند در آیات بسیاری (مائده/۵۱ و ۵۷؛ ممتحنه/۹ و ۱، مجادله/۲۲) به مؤمنان توصیه می‌کند که «دشمنان من و دشمنان خودتان را به عنوان دوست خود مگیرید» و مصداق آن را کسانی می‌داند که «دین شما را وسیله ریشخند و بازیچه خودشان قرار می‌دهند و به برائت از آنها توصیه کرده» است (زخرف/۲۶؛ یونس/۴۱؛ توبه/۱۱۴).

مطابق با آموزه‌های قرآنی و دینی، باطل را مصداق پاسخگویی غلط دانسته و بیان می‌کند که گرایش به سمت باطل، قدرت و جرأت پاسخگویی را در انسان کاهش می‌دهد و از نظر عقیدتی و سطح اطمینان قلبی، فرد را در موقعیتی قرار می‌دهد که اعتماد و اتکاء به نفس او را مستهلک می‌کند؛ لذا «برائت و بیزاری از باطل» و نموده‌های آن، زمینه پاسخگویی صحیح را در فرد پرورش داده و مکانیسم‌هایی را در فرد متکی به حق به وجود می‌آورد تا بتواند حق را از باطل تمیز و تشخیص دهد. لذا باطل‌گریزی و دوری از باطل به عنوان یکی از مبانی اساسی پاسخگویی در چارچوب مفهومی پژوهش، نقش دارد.



#### ۴- نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین وجه تمایز نظام‌های مردم‌سالار و به خصوص نظام اسلامی از غیر آن، وجه پاسخگویی و قبول مسئولیت در قبال مردم بودن است و در نظام اسلامی، مسئله مشروعیت و مقبولیت محصول تعامل پاسخگویی، کارآمدی، مسئولیت و تکلیف‌پذیری است و لذا در آموزه‌های اسلامی، مسئله پاسخگویی، با مقوله‌هایی همچون؛ مسئولیت، اخلاق، امانت، مشروعیت و حکمرانی رابطه تنگاتنگ و درهم تنیده‌ای داشته و پاسخگویی به نوعی انجام تکالیف شرعی است که خداوند بر عهده انسان نهاده است و هیچ فرد و نهادی از این مسئله پاسخگویی استثنا نشده است. آنچه در این مقاله به عنوان نتیجه-گیری کلی می‌توان ارائه نمود بدین شرح است:

۱. بر اساس یافته‌های پژوهش؛ مسئولیت و پاسخگویی در نظام اسلامی، چارچوب چند وجهی جامعی را در بر می‌گیرد شامل؛

**(الف)** پاسخگویی عام انسان به خداوند، وجدان، اعمال و کردار و دعوت پیامبران،

**(ب)** پاسخگویی خاص پیامبران به درخواست مردم و خداوند و در نهایت

**(ج)** مسئولیت و پاسخگویی خداوند نسبت به درخواست عامه بندگان و به درخواست‌های پیامبران؛ به عبارت دیگر این پاسخگویی در آموزه‌های قرآنی، شامل پاسخگویی عمودی (نسبت به خداوند)، نسبت به دیگران و نسبت به اعمال و کردار خود انسان (افقی) است.

۲. در بخش دوم پژوهش حاضر بر مبنای روشی جدید (فرایند چرخه‌ای تحلیل) کوشیده شده است تا موارد و مصادیق متعدد مرتبط با مبانی پاسخگویی در آیات نورانی قرآن کریم بررسی و تحلیل شده و با طی کردن مسیر پیش‌رونده روش تحلیل مورد ذکر، این مبانی مفهومی به دست آید که در این پژوهش این مبانی مشتمل بر حق‌گرایی و وعده الهی به عنوان **مبانی ذهنی و اداری (شناختی)**؛ عدم تکبر، تقوا و ایمان به عنوان **مبانی بینشی و نگرشی (عاطفی)**؛ اطاعت الهی، عمل صالح، موازین الهی و باطل‌گریزی به عنوان **مبانی عملی و رفتاری** شناسایی و تدوین گردیده است. بدیهی است که در فضای مفهومی این پژوهش می‌توان گفت این مبانی پاسخگویی، اولاً پیش‌نیازها، الزامات و پیش‌زمینه‌های پاسخگویی و در ثانی آن نوع از مبانی است که هدایتگر انسان و همچنین سیستم اجتماعی در جهت نیل به سعادت و کمال انسانی و اجتماعی مدنظر دین اسلام است و از جهان‌بینی و معرفت‌شناسی غربی که عمدتاً متکی بر فلسفه مادی‌گرایانه و کسب سود دنیوی هستند، متفاوت می‌باشد.

۳. ابتناء به این مبانی سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری قرآنی در حوزه پاسخگویی، علاوه بر کسب پاداش‌های اخروی، زمینه دستیابی به پیامدهای مثبت اجتماعی و همچنین موجب ترویج و توسعه الگوی حکمرانی الهی در سیستم‌های اجتماعی-عقلانی و سایر نظام‌های عقلایی کشور خواهد شد، که نتیجه‌اش افزایش اعتماد و رضایتمندی عمومی مردم از دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف کشور و کاهش فساد اداری و اخلاقی در حوزه‌های مختلف سازمانی و در نتیجه افزایش کارآمدی، اثربخشی و در نهایت سلامت سازمانی سیستم‌های اجتماعی-عقلانی است و لذا با توجه به دلایل عقلی و شواهد مرتبط با لزوم توسعه

علوم انسانی اسلامی بومی و نیز تجربه حاصل از این پژوهش و چارچوب حاصل شده برای پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی در طیف وسیعی از سازمان‌ها، می‌بایست زمینه توسعه مفاهیم سازمانی به خصوص مفهوم پاسخگویی با رویکردی اسلامی در کشور فراهم آید.

#### پی‌نوشتها

۱. یکی از ابزارهای شناخت و معرفت در هر علمی روش عقلانی است و در علوم اسلامی نیز کاربرد این شیوه شناخت به عنوان یکی از روشهای دستیابی به معرفت در جهت علم حصولی مورد تأکید است بر همین اساس بهره‌گیری از روش عقلانی مطرح در این پژوهش (روش فرایند چرخه‌ای تحلیل) می‌تواند به روشن‌تر شدن بخشی از زوایای علوم اسلامی کمک کند از این رو روش فرایند چرخه‌ای تحلیل که ابتدا سارانتاکوس (۱۹۹۸) به‌طور مختصر آن را به‌عنوان یک روش تحلیل کیفی مشتمل بر چهار گام گردآوری داده‌ها و اطلاعات، تقلیل داده‌ها، سازمان‌دهی و تفسیر داده‌ها مطرح نمود و سپس ترک‌زاده (۱۳۸۸) بر اساس تجربه خود در کاربست این روش در برخی پژوهش‌ها و نیز با نظر به مقتضیات زمینه‌ای تولید و توسعه دانش مدیریت اسلامی، این روش را به شرح ذیل توسعه داده است در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. امید که کاربرد این روش در تبیین معارف دینی سودمند باشد و نواقص این روش کشف شود.

## منابع

### قرآن کریم

**نهج البلاغه**، (۱۳۸۴)، ترجمه علی شیروانی، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم.

- ۱- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۶)، **ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام**، تهران، طرح نو.
- ۲- ابن ابی الحدید، (۱۳۸۷ ق)، **شرح نهج البلاغه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر.
- ۴- اردلان، محمدرضا، بهشتی‌زاد، رقیه و سلطانزاده، وحید (۱۳۹۵)، «امکان استقرار سازمان‌های پاسخگوی سریع بر اساس مولفه‌های یادگیری سازمانی»، **پژوهشنامه‌ی مدیریت اجرایی**، سال هشتم، شماره‌ی پانزدهم.
- ۵- السبزواری، (۱۴۱۷ ق)، **شرح منظومه**، به کوشش حسن حسن زاده آملی، تهران، ناب.
- ۶- الوانی، سیدمهدی، امیری، مقصود و احمدی، کیومرث، (۱۳۹۱)، «از اخلاق اجتماعی سازمانی تا پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی؛ رویکردی جهت استقرار نظام پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی در سازمان‌های دولتی ایرانی»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، سال هفتم، شماره ۱.
- ۷- الوانی، سیدمهدی و احمدی، کیومرث (۱۳۹۲)، «مفهوم پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی و ضرورت تبیین مولفه‌های آن در سازمان‌های دولتی ایران»، **فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی**؛ سال اول، شماره ۳.
- ۸- امید، مسعود، (۱۳۷۳)، «ماهیت ایمان از دیدگاه علامه طباطبائی»، **کیهان اندیشه**، شماره ۵۷.
- ۹- ایچی، قاضی عضالدین، (بی تا)، **المواقف**، بی جا، الشریف الرضی.
- ۱۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- ۱۱- ترکزاده، جعفر، (۱۳۸۸)، «روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پربعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی»، **روش‌شناسی علوم انسانی**، س ۱۵، ش ۶۱.
- ۱۲- حسنی، محمد و شاهین مهر، بهار، (۱۳۹۴)، «مدل‌یابی روابط بین اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی با پاسخگویی سازمانی»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، سال دهم، شماره ۱.
- ۱۳- خسروناه، عبدالحسین، (۱۳۹۲)، «ترابط عقل و دین و تأثیر آن بر فرهنگ اسلامی»، **راهبرد فرهنگ**، شماره ۲۳.

- ۱۴- دانشی، غلامرضا، لسانی، مهدی، علوی، سید حمیدرضا و اخلاقی، مسعود، (۱۳۹۸)، «استنباط‌های رهبری آموزشی مبتنی بر شناخت خدا و انسان در تفسیر المیزان توسط علامه طباطبایی»، **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**، سال دهم، شماره ۳، پیاپی ۳۹.
- ۱۵- درایتی، مصطفی، (۱۴۱۳ ق)، **معجم الالفاظ غرر الحکم**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۱۶- ذاکری، محمد، اسدی، اسماعیل و لطفی، هادی، (۱۳۹۰)، «تبیین الگوی پاسخگویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر رابطه بوروکراسی و دموکراسی»، **رسالت مدیریت دولتی**، سال دوم، شماره چهارم.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم.
- ۱۸- رستمیان، محمدعلی، (۱۳۹۳)، «مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (ع)»، **پژوهشنامه حکمت اهل بیت (ع)**، سال اول، شماره ۲.
- ۱۹- شریعتی، غلام‌محمد و کاظمی، معصومه، (۱۳۹۵)، «بررسی میدان معنایی اطاعت در نظام توحیدی قرآن»، **دوفصلنامه قرآن شناخت**، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۶.
- ۲۰- شهرستانی، محمدین عبدالکریم، (۱۳۶۷)، **الملل و النحل**، قم، الشریف الرضی.
- ۲۱- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (۱۳۷۱)، **اسرار البلاغه فی علم البیان**، نیویورک، اسپرینگر.
- ۲۲- حجاج نیشابوری، مسلم، (۱۴۱۲ ق)، **صحیح مسلم**، ج ۱، مصر، دارالحدیث.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، **مجمع البحرین**، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
- ۲۴- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۶ ق)، **الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد**، بیروت، دارالاضواء.
- ۲۵- علیخانی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، «نحوه پاسخگویی در حقوق اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)**، شماره ۲۶.
- ۲۶- عمید، حسن، (۱۳۹۰)، **فرهنگ عمید**، چاپ سی و هشتم، تهران، امیرکبیر.
- ۲۷- غزالی، ابوحامد، (۱۴۱۲ ق)، **احیاء العلوم الدین**، مصر، دارالحدیث.
- ۲۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، **کتاب العین**، قم، هجرت.
- ۲۹- فولادی، حفیظ‌الله و شفیعی، عباس، (۱۳۹۷)، «پاسخگویی کارگزاران از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه»، **تحقیقات نهج البلاغه**، سال ۱۷، شماره ۵۷.
- ۳۰- قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۸۱)، **قاموس قرآن**، چاپ شانزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱- قمی، شیخ عباس، (۱۴۰۲ ق)، **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار**، تهران، فراهانی.
- ۳۲- کبیری سرمزده، جعفر، (۱۳۹۵) «مفهوم حق در دو پارادایم فقه مدنی و دموکراسی غربی»، **آموزه‌های فقه مدنی**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۴.

- ۳۳- کرد فیروزجایی، اسدالله، (۱۳۹۸)، «اعتبارسنجی کارکرد معرفتی عقل با تأکید بر دیدگاه شیخ مفید»، **دوفصلنامه عقل و دین**، سال یازدهم، شماره بیستم.
- ۳۴- کلینی رازی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۱ ق)، **اصول کافی**، مکتبه الصدوق تهران.
- ۳۵- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، **بحار الانوار**، بیروت، موسسه الوفاء.
- ۳۶- محاسبی، حارث ابن اسد، (۱۴۲۰ ق)، **الرعاية لحقوق الله**، مصر، دارالیقین.
- ۳۷- محدثی، جواد، (۱۳۷۶)، «ایمان چیست؟ مؤمن کیست؟»، **دوماهنامه بشارت**، شماره ۱.
- ۳۸- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، **راه راهنماشناسی**، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۹- مصطفوی خراسانی، سید جواد، (۱۳۷۷)، **الکاشف عن الفاظ نهج البلاغه فی شروحه**، لندن، تیندال.
- ۴۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۵)، **ده گفتار**، قم، انتشارات صدرا.
- ۴۱- مقداد، فاضل، (۱۴۰۵ ق)، **اِرشاد الطالبین الی نهج المسترشدين**، به اهتمام محمود مرعشی، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله‌مرعشی نجفی (ره).
- ۴۲- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۳- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر، (۱۳۸۳)، **حکمرانی خوب: بنیان توسعه**، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۴۴- نبوی، سیدعباس، (۱۳۸۳)، «کالبدشکافی نظری و کاربردی رویکردهای پاسخ‌گویی در نظام ولایی»، **اندیشه حوزه**، شماره ۴۹ و ۵۰.
- ۴۵- نراقی، مهدی بن ابی ذر معروف به ملامحمدمهدی، (۱۳۸۳ ق)، **جامع السعادات**، ج ۳، بیروت، موسسه العلمی للمطبوعات.
- 46- Basri, Hasan, Nabiha, Siti and Majid, Shabri., (2016), "Ccounting and Accountability in Religious Organizations: An Islamic Contemporary Scholars" Perspective, *Gadjah Mada International Journal of Business*, Vol. 18. No.2.
- 47- Ferris, Elizabeth, (2005), "Faith-Based and Secular Humanitarian Organizations", *International Review of the Red Cross*, Vol. 87, No. 858.
- 48- Hopkins, Michael., (2004). "corporate social responsibility: an issues paper. International Labour Office". *Geneva Working Paper*, No. 27.
- 49- Iqmal Hisham Kamaruddin, Muhammad & Auzair, Sofiah., (2019), "Integrated Islamic Financial Accountability Model for Islamic Social Enterprise (ISE)", *the Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, Vol. 16, No. 1.
- 50- Lewis M.K., (2006), "Accountability and Islam", *Paper Presented at the Fourth International Conference on Accounting and Finance in Transition*, Australia, Adelaide.

- 51- Maali, Bassam and Napier, Christopher., (2007), "Twenty Five Years of Islamic Accounting Research: A Silver Jubilee Review", *Paper Presented at the 5th Asia Pacific Interdisciplinary Perspectives on Accounting Conference, Australia*, Auckland.
- 52- Saad, R. A. J., Aziz, N. M. A. & Sawandi, N., (2014). "Islamic accountability framework in the zakat funds management". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 164.
- 53- Sarantakos, Sotirios, (1998). *Social Research*, ۲nd Ed, Hampshire & London, Mac Millan Press Ltd.
- 54- Siraj, S. A., (2012). An empirical investigation into the accounting, accountability and effectiveness of waqf management in the State Islamic Religious Councils (SIRCs) in Malaysia (*Doctoral dissertation*). Cardiff University, United Kingdom.
- 55- Sulaiman, M., (2005), "Islamic Corporate Reporting, Between the Desirable and the Desired, First edition, Malaysia, *International Islamic University Malaysia*, Research Centre.

## Religious Foundations of Accountability in the Holy Quran: A Strategy for Rational Social Systems

Jafar Torkzadeh<sup>1</sup>\ Mahdi Amin<sup>2</sup>\ Rahmat Allah Marzoghi<sup>3</sup>\ Mohammad Javad Salmanpour<sup>4</sup>\ Jafar Jahani<sup>5</sup>

### Abstract

This study is to explain the concept of response through deep thinking and examining the theoretical foundations and related Qur'an verses, utilizing the cyclic process of qualitative analysis. The first part of the study shows that the concept of response is pervasive in different temporal, spatial and thematic domains; from being accountable to God to being accountable to people. In the second part by studying the verses and meditating on them using *Noor* and *Nemooneh* interpretations of Quran, 59 pervasive concepts was found and then categorized under 20 core concepts and finally 9 organized concepts were proposed which are the tendency to right, to evade falsehood, to obey God, Humility, Faith, Righteous action, Piety, Divine standards, and the divine promise. Pertaining to cognitive, emotional and behavioral aspects, the above mentioned concepts were proposed to promote and develop the Qur'anic teachings on the Islamic governance in the socio-intellectual systems.

**Keywords:** Accountability, Responsibility, Religious governance.

- 
- 1 . Associate Professor, Department of Management and Planning, Shiraz University.  
djt2891@gmail.com
  - 2 . PhD student of Educational Management of Shiraz University & Faculty member of  
PNU. Email:  
mahdiamiri10@gmail.com
  - 3 . Professor of Department of Management and Planning, Shiraz University  
rmarzoghi@yahoo.com
  - 4 . Associate Professor, Department of Management and Planning, Shiraz University  
msalman@rose.shirazu.ac.ir
  - 5 . Associate Professor, Department of iurisprudenc and Law, Shiraz University  
jjahani37@gmail.com